

نقش تبعی و تسریع‌کننده‌ی ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها

رضا التیامی نیا^۱ - مهدی محمدی عزیز آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۳۱

چکیده

در دنیای امروزی ورزش مدرن تعامل زیادی را با سیاست داخلی و بین‌المللی پیدا کرده و این باور ایجاد شده است که ورزش می‌تواند نقشی در ارتقای سطح توسعه، ایجاد صلح و حل کشمکش‌ها داشته باشد. ورزش بین‌المللی - که شامل ترکیبی از عاملان دولتی و غیردولتی است - در برخی مواقع به‌عنوان موضوع مناسب بحث‌های دیپلماتیک در نظر گرفته می‌شود. اجتماعات بزرگ ورزشی مثل المپیک و جام‌های جهانی می‌تواند کشورها را در کنار یک دیگر جمع کند و منجر به شکل‌گیری روابط نزدیک و صمیمانه‌تر بین کشورها شود، در این صورت دیپلماسی ورزشی بهترین کارایی خود را بروز می‌دهد و ملت‌ها می‌توانند صلح، دوستی و تعاون خود را نشان بدهند. هم‌چنین همکاری سازمان ملل با کمیته‌ی بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی به‌خصوص فیفا می‌تواند نقش مؤثری را در این راستا ایفا کند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند نقش سازنده‌ای را در روابط بین‌المللی به‌خصوص صلح بازی کند ولی در برخی موارد هم بوده که برای از بین بردن موقعیت‌های صلح‌آمیز و تحریک دشمنی استفاده شده است. هدف از پژوهش پیش رو پاسخ به پرسش‌های پژوهش و بررسی درستی یا نادرستی فرضیه مطرح شده به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی است.

واژگان کلیدی: ورزش، صلح، دیپلماسی ورزشی، حل کشمکش‌ها، المپیک.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج elytam81@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج azizabadi026@gmail.com

بیان مسأله

صلح یک آرمان جهانی و یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های زمانه ما است و بنیاد زندگی انسانی را تشکیل می‌دهد. پیشرفت جامعه، آرامی و خوشبختی همه برای تحقق پیدا کردن نیاز به صلح دارند. صلح فقط ارتباط نیست بلکه صلح عبارت از تبادل افکار و ذهنیات، محبت متقابل و پذیرفتن یک دیگر است. یکی از اهداف جنبش المپیک مؤثر بودن در پایان بخشیدن به مناقشات بین‌المللی و سیاسی و توسعه صلح است. روابط سیاسی بین کشورها همواره یکی از نکات مهم و قابل‌ذکر در مسابقات ورزشی بوده و نقش آن انکارناپذیر است.

وسایل ارتباطی شنیداری و دیداری، عرصه‌ی ورزش را به صحنه‌ی نمایش جهانی تبدیل کرده، به‌طوری‌که گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوعاتی شده است که ذاتاً ماهیت سیاسی و اجتماعی دارند. تحلیل ورزش به ما چیزهای زیادی درباره‌ی روابط بین‌الملل یاد می‌دهد؛ از توسعه صلح و جنگ گرفته تا هم‌گرایی قومیت‌ها و ناسیونالیسم. ورزش، یکی از ملزومات اساسی زندگی اجتماعی امروز و از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دست‌یابی به اهداف موردنظر خود بهره‌برداری کنند. از آن جایی که ورزش بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد، از این طریق قادر به تأثیرگذاری بر دیپلماسی عمومی نیز هست. ورزش سمبل صلح و هم‌زیستی، تحمل و یک دیگرپذیری، زمینه‌ساز و سازمان‌دهی‌کننده‌ی ارتباطات اقوام به سطح جهان، زیر چتر صلح‌پذیری و امنیت است.

نقش اولیه ورزش در روابط بین‌الملل، نقش یک دیپلماسی عمومی است. یعنی این‌که ورزش به بیان دقیق منافع ملی ثانویه (نظیر قابلیت رؤیت، تجلی ایدئولوژی، رشد جایگاه، مشروعیت)، به امتحان کردن پیش‌قدمی‌ها در روابط خارجی، به رشد و بهبود

مبادلات تفاهم فرهنگی و به کاهش پتانسیل برای کشمکش عملی از طریق بروز خصومت‌ها در زمینه‌ای محصور و کنترل‌شده، کمک می‌کند. نقش ورزش در روابط بین‌الملل و توسعه ملی نشان‌دهنده‌ی معنا و اهمیت سیاسی ورزش در بسیاری از جوامع است. شمارش مدال‌های طلا در المپیک‌ها دقیقاً بدین علت مهم است که این شمارش به سنجش مشروعیت سیاسی، به سنجش مدرنیزاسیون یا به سنجش عزم راسخ افراد، تبدیل می‌شود (Rooney, 2012: 16). تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک‌سو و انعکاس گسترده‌ی وقایع ورزشی از طریق رسانه‌های ارتباط‌جمعی جهانی از دیگر سو باعث شده است که قلمرو ورزش و روابط بین‌الملل روزبه‌روز به هم نزدیک‌تر شوند. پس مسأله اصلی این است که چگونه ورزش می‌تواند به‌عنوان عاملی برای توسعه‌ی صلح، کاهش تنش‌ها و نزدیک کردن کشورها به یک دیگر استفاده شود؟ آیا ورزش می‌تواند زمینه‌ی ارتباط سیاسی کشورها را فراهم کند؟ نقش بالقوه‌ی ورزش در حل تعارض بین‌المللی، دیپلماسی و رژیم‌های تحریم شده چگونه است؟ فرضیه اصلی پژوهش، بعد برجسته‌ی مثبت ورزش در سطح بین‌المللی همان ایجاد روابط دوستانه است و می‌توان با راهکارهای مناسب و اتخاذ سیاست‌های مناسب، باعث ایجاد شرایطی شد که ورزش، پاکی خود را حفظ و در حل کشمکش‌های بین‌المللی و ایجاد صلح نقش مؤثری را ایفا کند. در واقع فهم عمیق پویایی ورزش جهانی می‌تواند فهم بیشتر محیط بین‌المللی را تقویت کند. در این پژوهش به دنبال برخی از عواملی که ممکن است روند ایجاد صلح و روابط سیاسی دولت‌ها را شتاب بخشد، می‌پردازیم. چون ورزش بخش مهمی از نظام بین‌الملل است و هم‌زمان از آن شکل می‌گیرد و در آن تأثیر می‌گذارد، راهی به‌سوی این فهم می‌گشاید که از ورزش می‌تواند در ایجاد صلح، روابط دوستانه بین کشورها، توسعه و مبارزه با فقر و جنایت استفاده کرد. در این مقاله از روش توصیفی -

تحلیلی استفاده شده است، بدین صورت که در آغاز داده‌های لازم از منابع نوشتاری و الکترونیکی استخراج و سپس تبیین شده‌اند.

پیشینه‌ی تحقیق

تونیس (۱۹۴۱) و پس از او فرنکین (۱۹۶۳) این را مطرح کرده بودند که ورزش در تقویت صلح جهانی و تفاهم بین‌المللی نقش دارد. زیمل تأکید می‌کند که ورزش وقتی شکل مسابقه‌ی ورزشی به خود بگیرد، می‌تواند در حل کشمکش‌ها و درگیری‌ها نقش اساسی ایفا کند (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۲).

کید (۱۹۹۶) بحث می‌کند که بازی‌های المپیک خاص و ویژه هستند. باید از ورزش برای آگاهی از بی‌عدالتی جهانی و ترویج حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سراسر دنیا استفاده شود. المپیک فرصتی برای تبادل فرهنگی و شناختن فرهنگ‌های مختلف جهان و فرصتی برای ایجاد صلح و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که از طریق مصاحبه با رسانه‌های جمعی می‌تواند ملی‌گرایی و تجاری شدن تحت کنترل خود قرار دهد و از آن در جهت پیشبرد اهداف المپیزم بکار گیرد (Coakley, 2009: 454).

دلگادو (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان «ترکیب ورزش و سیاست: پوشش رسانه‌ای فوتبال جام جهانی ۱۹۹۸. م. فرانسه، «رقابت ایران در برابر آمریکا» به بررسی نقش سیاست در ورزش پرداخت. دلگادو بیان می‌کند که رسانه‌های آمریکا در زمان برگزاری مسابقات در فرانسه، تبلیغات زیادی برای برقراری ارتباط بین ایالات متحده‌ی آمریکا و ایران انجام دادند. هویس و همکاران (۲۰۱۳) تحلیلی از رویدادهای ورزشی بین‌المللی، مانند المپیک یا جام جهانی فوتبال را نشان می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که این رویدادها نقش مهمی را در روابط بین‌الملل ایفا می‌کنند.

آزاد ارمکی (۱۳۸۱) می‌گوید، فراگیرترین عرصه‌ی بروز رقابت‌های مسالمت‌آمیز ورزشی، در مسابقات جام جهانی فوتبال بروز می‌یابد. هرچند در جام جهانی، ملت‌های جهان باهم هم‌بازی می‌شوند و از این طریق آشنایی میان فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و صلح و دوستی تقویت می‌شود.

ملکوئیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود «ورزش و سیاست» نتیجه می‌گیرد که ورزش و ورزش‌کاران گاهی به‌عنوان تسریع‌کننده در ایجاد رابطه میان دولت‌ها عمل کرده‌اند البته شاید ورزش به‌عنوان آخرین عامل در این رابطه مطرح باشد.

مبانی نظری

رابطه‌ی ورزش و سیاست یک رابطه دوطرفه است که هرکدام به‌نوبه خود بر روی دیگری تأثیری خاص می‌گذارد. البته تعامل سیاست و ورزش محدود به عصر جدید نبوده است بلکه به جرأت می‌توان گفت سیاست در اساس شکل‌گیری بازی‌های المپیک مؤثر بوده است به‌گونه‌ای که از چندین روز پیش از برگزاری بازی‌ها تعاملات نظامی و جنگی بین دولت‌شهرهای یونان متوقف می‌شد تا بازی‌ها در صلح کامل برگزار شود.

با افزایش سریع و رو به گسترش آثار و نوشته‌های که به بررسی جامعه‌شناسی ورزش می‌پردازند، تحلیل علمی تأثیر متقابل ورزش و جامعه نسبتاً تثبیت شده است و عناوین موجود در مجموعه‌ی ورزش در جامعه‌ی جهانی گواه این امر است. این مطالعات نشان می‌دهد که تحلیل ورزش به ما چیزهای زیادی درباره‌ی روابط بین‌الملل یاد می‌دهد؛ از اقتصاد جهانی نئولیبرال و دیپلماسی و جنگ گرفته تا جهانی‌سازی فرهنگی، شکل‌گیری هویت ملی و رسانه‌ها. باوجوداین، نمونه‌های یادشده از روابط میان ورزش و محیط بین‌الملل تا حد زیاد در نوشته‌های کارشناسان تاریخ، حقوق، مطالعات ورزشی و به‌ویژه

جامعه‌شناسی آمده است و متون بسیار کمی از رشته‌ی علمی روابط بین‌الملل به ورزش اختصاص یافته است (لورمور و بودر، ۱۳۹۱: ۱).

بورديو امر ورزشی را-که ظاهراً غیرسیاسی است- پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌داند. به گفته وی، مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی شده‌اند و از طریق رقابت، خشونت خود را تخلیه می‌کنند. حکومت‌ها نیز سازمان‌های ورزشی را به رسمیت می‌شناسند تا از آن طریق به بسیج توده‌ها و فتح آنان پردازند. پتانسیل قدرت در ورزش باعث می‌شود احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، کلیساها و مراکز سرمایه وارد این عرصه شوند (ملکوئیان، ۱۳۸۸: ۳۰۳). مارسل موس جامعه‌شناس شهیر فرانسوی ورزش را کنشی فرهنگی دانسته و بر آن است که رفتارهای ورزشی از سنخ رفتارهای طبیعی نیستند بلکه فرهنگی‌اند و مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به حیثیت و موقعیتی را که هر فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی احراز کرده است، در برمی‌گیرد. تحلیل موس از ورزش به تدریج زمینه‌ی تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای از ورزش را فراهم کرد (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

در دهه‌ی ۶۰ «نوربرت الیاس» در تحلیل و تعبیری شگفت‌انگیز و جدیدی اعلام کرد؛ «ورزش کلید شناخت جامعه است». به اعتقاد الیاس تمدن‌ها و جوامع از سده‌های گذشته تاکنون با درونی کردن تدریجی فشارهای اجتماعی سخت‌گیرانه به صلح‌آمیز شدن رسوم اخلاقی کمک کردند تا آن جا که در این فرآیند خودکنترلی، بدن در خط مقدم جای گرفته است. از دیدگاه وی عادت‌های حرکتی در مهار تدریجی رفتارها و تکانه‌های پرخاشگر نقش مهمی ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که بازی‌ها و ورزش‌ها وسیله ممتازی به منظور تنظیم خشونت شده‌اند و تمرین هم‌ستیزی بدنی را در چارچوب رقابت قاعده‌مندی روی صحنه آورده و آن را قانون‌مند و مشروع ساخته است. الیاس بر آن بود که قشرهای اجتماعی مرفه با تکیه بر رفتارهای حرکتی و ورزشی سعی می‌کنند تا شیوه‌های کنش و

واکنش متقابلی را متداول کنند که الیاس آن را با وام گرفتن از اصطلاح مارسل موس «عادت واره اجتماعی» می‌نامد (نوا بخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۸). الیاس در تحقیقی با «اریک دانینگ» در سال ۱۹۳۹ م. دگرگونی ورزش و بازی‌های بدنی را از سده‌های میانی تا دوره معاصر بررسی کردند. آن‌ها نبردها و بازی‌های خشن را همراه با کاهش خشونت و قاعده‌مندی در سده‌های گذشته همراه دیدند. این مطالعه آن‌ها را با این واقعیت آشنا کرد که در طول این مدت شکل بازی‌ها به ورزش‌ها در فرآیند عمومی‌تر صلح‌آمیزی شدن زندگی اجتماعی تغییر یافت، به‌گونه‌ای که بازی‌های همراه خشونت به ورزش‌های قاعده‌مند و به‌دوراز هرگونه خشونت در راستای صلح تبدیل شدند (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۱۹). از دیدگاه الیاس اختلاف میان ملت‌ها باید بدون توسل به خشونت حل و فصل شود. روابط اجتماعی و نهایتاً زندگی اجتماعی باید صلح‌آمیز شود که در این راستا ورزش‌ها می‌توانند عامل مطلوب و مناسبی واقع شوند (نوا بخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

باینول از اندیشمندان مطرح در حوزه‌ی ورزش و سیاست است. او به مطالعه رابطه‌ی بین سیاست بین‌الملل و ورزش پرداخته است و در یکی از پژوهش‌های خود جنبه‌های مثبت و منفی استفاده از ورزش در سیاست را بررسی و این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه ورزش می‌تواند برای ایجاد روابط دوستانه و کاهش تنش‌ها بین کشورها استفاده شود. باینول به این نتیجه رسید که ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزار دیپلماتیک هم چون دیپلماسی عمومی برای تأثیر عقیده‌موردتوجه قرار گیرد.

تیین نظری رابطه‌ی بین سیاست بین‌الملل و ورزش از نظر باینول:

جنبه‌های منفی استفاده از ورزش در عرصه‌ی سیاست

- ورزش به سازوکار ماشه دیپلماتیک برای از بین بردن موقعیت‌های صلح‌آمیز
- برای تحریک دشمنی
- برای خشمگین و تحریک کردن یک کشور

- برای آسیب زدن به روابط خنثی
- جنبه‌های مثبت استفاده از ورزش در عرصه‌ی سیاست
- ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماتیک برای دوستی بین ملت‌ها
- برای تقویت روابط
- برای کمک و حمایت از صلح
- برای بهبود روابط بین‌المللی برای نشان دادن تبعیض‌ها در درون جوامع (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۶).

ورزش مدرن و سیاست خارجی

استفاده‌ی سیاسی از ورزش و دخالت سیاست در ورزش سابقه‌ای بسیار دارد و از نخستین دوره‌های بازی‌های المپیک در دوران جدید، نشانه‌های آن پدیدار شد. با گسترش حوزه‌ی ورزش مدرن، سیاست بین‌الملل به‌عنوان منبع تأثیرگذار در سیاست داخلی کشورهای جهان مطرح شد. ماری بروم، اندیشمند فرانسوی اشاره دارد که ورزش مدرن به‌گونه‌ای مستقیم با منافع سرمایه‌داران امپریالیست پیوند دارد. وی با اشاره به پیوند میان بازی‌های المپیک با اتحادیه‌های تجاری، اذعان می‌کند که ورزش به‌منزله‌ی فعالیتی که وجه مشخصه‌ی جامعه‌ی صنعتی بورژوا است، بازتاب محض نظام سرمایه‌داری است. ورزش در مقام یک ایدئولوژی - که در مقیاسی انبوه توسط رسانه‌ها انتقال داده می‌شود - بخشی از ایدئولوژی بورژوایی مسلط است (Green, 2008: 236).

تا چندی پیش، اغلب کشورهای جهان از نقشی که ورزش می‌تواند در سیاست خارجی ایفا کند، آگاه نبودند اما شکی نیست که موفقیت‌های گروه‌های ملی ورزشی و گروه‌های منتخب بار سیاسی دارند و از آن‌ها معنای سیاسی می‌توان فهمید و غالباً در جهت اهداف سیاسی از آن‌ها استفاده می‌شود تا جایی که اصطلاح «سیاسی کردن ورزش» پدید

آمده است. برای نمونه از ورزش برای اثبات کارایی و اقتدار یک نظام سیاسی یا عقیدتی و یا برای نشان دادن هویت یک نظام سیاسی و به رسمیت شناساندن آن در محافل بین‌المللی بهره‌برداری می‌شود. یکی از اولین مورد تأثیر سیاست خارجی بر ورزش و المپیک مربوط به المپیک تابستانی ۱۹۳۶. م برلین است که حزب نازی آلمان و رایش سوم از این بازی‌ها به‌عنوان حربه‌ای تبلیغاتی، برای نشان دادن توانمندی خود استفاده کرد. اما ورزشکاری به نام «جسی اونز» در این مسابقات برخلاف تصورات رایج در مورد برتری نژاد سفید که به‌ویژه از سوی ناسیونال سوسیالیست‌های آلمانی مطرح شد، با کسب چهار مدال طلا، یکی از نقاط اوج ورزش سیاهان و جنبش ضد تبعیض نژادی را رقم زد (مویزی، ۲۰۰۸).

ریوردان، در تحلیل تاریخی و اجتماعی خود از ورزش شوروی، نتیجه گرفته است که به دلیل وجود اردوگاه هم‌ستیز و دو بلوکی که در سایه تنش بین‌الملل به وجود آمده، پس از جنگ جهانی دوم یعنی بروز جنگ سرد میان ایالات متحده آمریکا به‌عنوان سردمدار نظام سرمایه‌داری و اتحاد جماهیر شوروی به‌مثابه رهبر نظام سوسیالیستی، ورزش به میدان مناسبی برای رقابت بین‌المللی و سیاست خارجی تبدیل شد. در این میان اتحاد شوروی موفقیت‌های ورزشی بین‌المللی خود را به امتیازات نظام سیاسی و ایدئولوژیکی مارکسیستی نسبت می‌داد (Norris, 2006: 125). پس از انقلاب بلشویکی، رژیم شوروی از طریق اعزام گروه‌های ورزشی به مسابقات خارجی تمایلش را برای بهبود رابطه با جهان سرمایه‌داری نشان داد. هم‌چنین تحریم المپیک مسکو از سوی ایران به بهانه‌ی مخالفت با اشتغال افغانستان از سوی شوروی که با این کار، ورزش به زائده‌ای از سیاست خارجی کشور تبدیل شد. به‌طوری‌که ایران پس از انقلاب اسلامی سیاست خارجی خود را بر اساس نه شرقی، نه غربی پی می‌گیرد و بازی‌های سال ۱۹۸۴. م لس‌آنجلس را برای ابراز مخالفت با آمریکا تحریم می‌کند. کشورها با استفاده از سیاست خارجی مناسب می‌توانند از ورزش در راستای تقویت هویت و همبستگی ملی و هم‌چنین بالا رفتن منزلت بین‌المللی استفاده بهینه

کنند. سیاست خارجی که به کوشش‌های دیپلماتیک در بیرون از مرزها ارتباط پیدا می‌کند، باعث می‌شود سیاست‌مداران بتوانند با ترغیب فدراسیون‌های ورزشی و فراهم کردن امکانات لازم، بازی‌های دوستانه به وجود آورند و یا ورزشکاران خود را به بازی‌های منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای بفرستند و شرایطی را به وجود آورند که کشورها به هم نزدیک‌تر شوند. «هورن» با ذکر این نکته که ورزش در استرالیا نخستین بیان از سیاست خارجی بود و در داخل یک عقیده ملی به شمار می‌آمد، بر اهمیت سیاسی ورزش تأکید می‌ورزد (حق شناس، ۱۳۹۲).

ورزش فرصتی برای نشست و گفت‌وگو

وقتی یک بازی برای میلیاردها نفر اهمیت پیدا می‌کند، دیگر نباید فقط یک بازی تلقی شود. ورزش فوتبال هیچ‌وقت فقط فوتبال نیست: این ورزش جنگ، صلح و دوستی به وجود می‌آورد، انقلاب می‌کند و مورد توجه سازمان‌ها، دولت‌ها و دیکتاتورهاست؛ و می‌تواند با اطمینان‌عاملی برای نشست و گفت‌وگو باشد. قدرت ورزش را می‌توان به‌عنوان یک ابزار برای جلوگیری از درگیری و هم‌چنین به‌عنوان یک عنصر برای ایجاد صلح استفاده و به‌طور مؤثر اعمال شود. این ارزش‌های مهمی است که برای صلح پایدار ضروری هستند و در محیط پس از جنگ به‌طور خاص می‌تواند برای کاهش تنش‌ها و تولید گفت‌وگو مؤثر باشد.

دربازی‌های آسیایی ۲۰۱۴. م اینچئون کره جنوبی، مردم و مسئولین این کشور با احترام خاصی با ورزشکاران کره شمالی رفتار کردند به‌طوری‌که زمان رژه‌ی ورزشکاران در افتتاحیه این بازی‌ها تمام تماشاگرانی که در ورزشگاه حضور داشتند با بلند شدن از جای خود و در دست گرفتن پرچم کره شمالی به تشویق آنان پرداختند.

مسابقه گروه هاکی روی یخ آمریکا با گروه هاکی شوروی در بازی‌های زمستانی المپیک ۱۹۸۰ م که برخلاف انتظار گروه شوروی شکست خورد اما به دستگاه سیاسی آمریکا این امکان را داد تا خود را از سایه تیرگی و تردیدی که پس از حمله شوروی به افغانستان روابط دو کشور را در میان گرفته بود، برهاند. این مسابقه جو مناسبی برای بازگشت به گرمی روابط میان این دو کشور و حتی نشست و گفت‌وگو فراهم آورد (انوالخولی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). تماس‌های ورزشی زمانی می‌توانند مفید باشند و از تصمیم دو کشور برای تجدیدنظر روابطشان حکایت کند. این تماس‌ها هم‌چنین می‌توانند یخ روابط مقامات دو طرف را آب کند. برای مثال میان برخی گروه‌های کشورهای عربستان سعودی و کویت با گروه‌های ورزشی کشور مصر بازی‌هایی برگزار شد و زمینه را برای ازسرگیری روابطی که پس از عقد پیمان صلح مصر و اسرائیل قطع شده بود، آماده کرد. در مصر از گروه‌های این دو کشور با گرمی تمام استقبال به عمل آمد و هدایایی به رسم یادبود میان بازیکنان و مدیران ردوبدل شد. این مسابقات در ایجاد جو مردمی و عمومی برای ازسرگیری روابط رسمی تأثیر خوبی داشت. پاپ «ژان پل دوم» ورزش را به مرزها و محدوده‌هایی تفکیک کرد و بیان کرد که ورزش بسیار مهم است زیرا می‌تواند به ترویج ارزش‌های اساسی میان جوانان کمک کند. بنابراین ورزشکاران یک مسئولیت دارند؛ آن‌ها باید بیرون از مرزهای زبان، نژاد و فرهنگ، ورزش را به فرصتی برای نشست و گفتگو تبدیل کنند (لورمور و بودر، ۱۳۹۱: ۳۱).

ورزش می‌تواند در حیطه‌ی دیپلماسی عمومی مفید و سودمند باشد و باعث مبادلات فرهنگی و ارتباطات عمومی بین مسئولین شود. به عبارت دیگر، ورزش فرصتی را برای رهبران سیاسی فراهم می‌آورد تا باهم دیگر ملاقات و گفتگو کنند (Coakley, 2009: 451). همان‌طور که تاریخ نشان داد، همیشه هم این‌طور نیست که ورزش باعث ایجاد صلح و گفتگو شود. در منطقه آمریکای مرکزی کونکاکاف، یکی از

مهم‌ترین حوادث ناگواری که در این عرصه رخ داده است، حادثه‌ای که شاید دیگر همانند آن تکرار نشود. دو کشور هندوراس و السالوادور در سال ۱۹۶۹. م پس از یک مسابقه فوتبال و حوادث میدان و داخل استادیوم به یک دیگر اعلان‌جنگ دادند و با تانک و توپ و هواپیما به مرزهای هم هجوم آوردند. این جنگ که بعدها به جنگ فوتبال معروف شد در حدود سه هزار نفر کشته در پی داشت و هزاران نفر را بی‌خانمان کرد (فتیحی، ۱۳۷۷: ۵۵).

دیپلماسی ورزش

نشانه‌شناسی دیپلماسی ورزشی، متشکل از مجموعه نشانه‌های پیچیده و تأثیرگذار بر یک دیگر است. یک مسابقه ورزشی می‌تواند این نشانه‌ها را به مخاطبانش انتقال دهد. در مرتبه‌ی نخست، برگزاری مسابقه بین دو کشوری که برای مدتی با یک دیگر اختلاف داشتند، می‌تواند علامت ملموسی باشد از که رهبران دو کشور درصدد تعریف مجدد و بازبینی روابطشان هستند. ورزش یک محیط آماده و مناسب و عامل تلطیف‌کننده‌ی کشمکش‌ها و مداخلی طبیعی برای ملاقات بین‌المللی به شمار می‌آید. با ذکر چند نمونه عینی می‌توان به مفهوم واقعی دیپلماسی ورزش پی برد:

مسابقه‌ی فوتبال که بین گروه‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق و آلمان فدرال پیشین در آگسبورگ برگزار شد، به کاهش تنش میان این دو کشور کمک کرد و اثر خوبی میان ملت آلمان گذاشت (شهابی، ۱۳۸۳: ۹)؛

مسابقه‌ی تنیس روی میز که در دهه‌ی ۷۰ میان آمریکا و چین برگزار شد تأثیر زیادی در هموار ساختن راه برای ازسرگیری روابط قطع‌شده دیپلماتیک دو کشور گذاشت. پیشاپیش معلوم بود گروه آمریکایی در سطح پایین‌تری از گروه چین قرار دارد و احتمال شکست آن بسیار است اما طرفین از هرگونه رفتار تحقیرآمیز نسبت به یک دیگر یا مشکل‌آفرینی پرهیز کردند و مدیریت گروه چین تعارفات زیادی به عمل آورد و حتی در

استقبال از آمریکایی‌ها راه مبالغه در پیش گرفت و این خود در عمل زمینه را برای برقراری روابط قطع شده دیپلماتیک هموار ساخت تا جایی که این روش نوظهور به «دیپلماسی پینگ‌پنگ» نام گرفت (شهابی، ۱۳۸۳: ۷)؛

ایران در جام جهانی ۱۹۹۸. م که در فرانسه برگزار شد، اولین پیروزی جام جهانی خود را در بازی دوم برابر ایالات‌متحده‌ی آمریکا به دست آورد. برای هر دو گروه بخصوص ایران بازی با هیجان زیادی به دلیل موضع سیاسی هر دو کشور پس از انقلاب ایران دنبال می‌شد. به گزارش اوج نیوز، جان دردن در یادداشتی برای سایت espn نوشته بود: شاید فوتبال باعث نزدیک شدن دو کشور ایران و آمریکا شود. هرکس فکر می‌کند فوتبال و یک بازی زیبا نمی‌تواند مردم را به هم نزدیک کند باید به جام جهانی ۱۹۹۸. م فرانسه رجوع کند که ایران موفق شد در یک بازی خاطره‌انگیز دو بر یک آمریکا را شکست دهد. چند روز قبل از بازی، بیل کلینتون از صلح میان دو ملت صحبت کرد و این جمله را گفت که برای ۹۰ دقیقه هم که شده ایران و آمریکا در یک فضای دوستانه و صمیمی با یک دیگر رقابت کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۶) البته به دلیل اختلافات بنیادی بین ایران و آمریکا، برگزاری یک مسابقه فوتبال نمی‌تواند به سادگی اختلافات دو کشور را از میان بردارد. چون نوع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و جهان‌بینی این دو کشور در اساس فرق دارند؛

مسابقات راگی جهانی مثال جالبی است. هر سال وقتی گروه‌های ملی برگزیده می‌شوند، جناح‌های در حال جنگ ایرلند و ایرلند شمالی دشمنی‌های شدید خود را کنار می‌نهند، بازیکنانی از هر دو گروه باهم ترکیب می‌شوند تا گروه ملی ایرلند را تشکیل دهند. گروهی که مردم هر دو ملت برای آن فریاد شادی سر می‌دهند (6: Ordyłowski, 2008)؛

افزایش در تبادلات ورزشی بین کره جنوبی و کره شمالی در اوایل دهه اول قرن ۲۱. م یک فرصت منحصر به فردی را برای تجزیه و تحلیل نقش تغییرپذیری و کارآمدی

دیپلماسی ورزشی معاصر به وجود آورده است. دیپلماسی ورزش به‌عنوان یک هدف سیاسی کلیدی برای دو کشور محسوب می‌شود، دو کشوری که تفاوت‌های بسیار کمی باهم دارند. به‌واسطه‌ی تأثیر نمادین ورزش، دیپلماسی ورزش باعث تنش‌زدایی بین دو کره می‌شود و نقش مهمی را در سیاست خارجی دو کشور ایفا می‌کند. هر دو دولت کره جنوبی و کره شمالی از طریق ورزش یک شبکه‌ی چندلایه‌ای را برای برقراری ارتباط تشکیل دادند تا پیام‌های دیپلماتیکشان را از طریق ورزش به یک دیگر بفرستند (Merkel, 2008: 289)؛

جنبش ورزش کارگران - که در سراسر اروپا در سال‌های بین جنگ بسیار محبوب بود - اصولاً به غیررقابتی بودن ورزش و ویژگی‌های بین‌المللی توجه داشت و همکاری میان کارگزاران اروپایی را به‌جای برتری دولت‌های ملی، ارزش تلقی می‌کرد و هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی ورزش به‌عنوان عاملان جهانی، دیدگاه برتری کشور را به چالش کشیدند، به‌ویژه در زمانی که مدیران فیفا و کمیته‌ی بین‌المللی المپیک در سراسر جهان از امنیت دیپلماتیک برخوردار شدند (Grant, 2003: 544).

یکی از نقش‌های مهم ورزش در روابط بین‌الملل، نقش دیپلماسی عمومی است. بدین‌سان ورزش فعالیت برای همکاری و تعامل بین‌المللی است ولی نایستی از این نکته غافل بود که ورزش در مقایسه با بقای نظام سیاسی یک دولت، اهمیت کمتری برای مذاکرات سیاسی شدید بر سر اهداف ملی اولیه، که اگر حل نشود می‌تواند به جنگ ختم شوند، است (Rooney, 2012: 15). محدودیت‌های موجود برای تفاسیر واقع‌گرایانه دیپلماسی در ورزش بین‌الملل با تمایل آن با تعامل کشورها نشان می‌دهد که یک چشم‌انداز تعددگرانه تنها در کمک به فهم و شناخت ماهیت دیپلماسی در ارتباط با ورزش در جامعه معاصر مفید خواهد بود.

نقش رسانه‌ها

دنیای امروز یعنی دنیای ارتباطات و رسانه؛ در جامعه‌ی مدرن و الکترونیکی، رسانه تصمیم می‌گیرد که چگونه فکر کنیم، چگونه حرف بزنیم و حتی چگونه زندگی کنیم. این نفوذ را در هر جا می‌توانیم ببینیم و احساس کنیم. شاید ورزش یکی از ملموس‌ترین مثال‌هایی باشد که بتوان در این زمینه مطرح کرد. ویلبر شرام معتقد است رسانه‌ها بر برخی از مردم در بعضی از اوقات و درباره‌ی بعضی چیزها اثر می‌گذارند (وحیدا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۴). تنها پس از آن که ورزش با رسانه‌های گروهی همه‌جا حضور یافت، نهادهای دانشگاهی و مؤسسات تحقیقاتی به موضوع ورزش به‌عنوان رفتار و «عادت واره‌ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می‌کند، توجه کردند. رسانه‌ها تأثیر سرنوشت‌سازی، هم در خیر و هم در شر، روی ورزش اعمال می‌کنند (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۸۴). رسانه‌های گروهی با کمک سازمان‌های مهم بین‌المللی و ورزشی، می‌توانند نقش ورزش را به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق پیشرفت در راستای تکامل و صلح ارتقا دهند اما دیگر نمی‌توان تلویزیون را واسطه‌ی بی‌طرف یا انعکاس‌دهنده‌ی صرف حوادث تلقی کرد بلکه تلویزیون نوعی نمایش دستکاری‌شده و پرداخته بر اساس حادثه ارائه می‌کند و امکان بی‌طرفی آن نیز وجود ندارد. (گرهارت، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۵).

بسیاری از تغییرات حادث در ماهیت ورزش ناشی از تأثیر رسانه‌های جمعی و تمایل مدیران این رسانه‌ها و نمایندگان مؤسسات ورزشی برای افزایش جاذبه سیاست‌ها است. ورزش عرصه‌ی فعالیت‌های الگومندی است که فرصت منحصر به فردی برای مطالعه و فهم پیچیدگی‌های حیات اجتماعی و حتی بین‌المللی فراهم می‌آورد. به خاطر همین عملکردهاست که می‌توان از رسانه‌های ورزشی در راستای ایجاد صلح استفاده‌های زیادی کرد. این نمایش‌های ورزشی از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌توانند بر ایده‌های ما در مورد ورزش، ادراک ما نسبت به جنسیت، صلح، نژاد، روابط اجتماعی و رفتار مناسب و بر

پیروی ما از ارزش‌های خاص، تأثیرگذارند. رسانه‌های ورزشی می‌توانند نقش مهمی در پیش برد اهداف ملی ایفا کنند. در واقع رسانه یک عامل است نه ابزار صرف.

تجاری شدن ورزش؛ «مشارکت‌های اقتصادی»

استوکویس، جامعه‌شناس ورزشی اهل هلند معتقد است که تکامل فعالیت‌های ورزشی در کنار مؤسسات اقتصادی باعث شده است تا ورزش در زندگی اجتماعی جایگاه بلندی پیدا کند که اهمیتش کمتر از جایگاهی نیست که رابطه‌ی ورزش با سیاست پدید آورده است. نخستین فرض در زمینه‌ی رابطه‌ی ورزش و اقتصاد این است که ورزش برای تأمین مالی فعالیت‌های گوناگون خود به اقتصاد تکیه دارد (انورالخولی ۱۳۸۱: ۱۲۶). ورزش‌های پرطرفدار که یک نوع بازی هستند، در عین حال یک فعالیت تجاری هم محسوب می‌شوند. ورزشی مثل فوتبال که از لحاظ اقتصادی پول‌های زیادی در آن وجود دارد، به‌طور یقین می‌تواند در ایجاد توسعه و صلح نقش ایفا کند. هم‌چنین به دلیل وجود منافع دوسویه‌ای که میان مؤسسات تجاری کشورها و ورزش به وجود آمده است، این مؤسسات پس از تشکیلات ورزشی بین‌المللی و المپیک و حکومت‌های ملی، مهم‌ترین تشکیلات اجتماعی هستند که به ورزش توجه خاصی دارند و از آن حمایت می‌کنند. ورزش یک تجارت بزرگ است به این دلیل که باشگاه‌های ورزشی و شرکت‌کنندگان نه‌تنها در حوزه‌های ورزشی رقابت می‌کنند بلکه مرتبط با منافع تجاری سودآور بزرگ از جمله شرکت‌های بین‌المللی پوشاک ورزشی و پیشگامان رسانه‌ای مرتبط هستند که ورزش را شکلی از نمایش می‌پندارند که می‌تواند برای مخاطبین پخش شود (Sugden, 2010: 267). تجاری شدن از شاخص‌های ورزش دوره‌ی معاصر است. از نیمه دوم قرن ۲۰ م رونق اقتصادی در غرب و لزوم داشتن بازار برای فروش کالاها در سطح بین‌المللی و داخلی سرمایه‌گذاران را به فکر بهره‌گیری از پتانسیل اقتصادی ورزش انداخت. ارتباط اقتصاد و ورزش را

رسانه‌ها برقرار کردند و انقلاب ارتباطی بیش‌ازپیش این مسیر را هموار کرد. اکنون در بسیاری از کشورهای صنعتی ورزشگاه‌ها و باشگاه‌ها و رویدادهای ورزشی به نام شرکت‌ها تجاری بزرگ شناخته می‌شوند (ملکوئیان، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

زمانی که جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۷. م در رشته فوتبال در چهار کشور تایلند، مالزی، اندونزی و سنگاپور برگزار شد، خیلی‌ها تصور داشتند از لحاظ سودی که این بازی‌ها می‌تواند داشته باشد، از لحاظ تجاری اختلافاتی بین این کشورها به وجود خواهد آمد اما در پایان این بازی‌ها نه تنها اختلافی به وجود نیامد بلکه دولت‌ها و شرکت‌های تجاری و فراملی این کشورها بیشتر به هم وابسته شدند و باعث نزدیک شدن این کشورها به یک دیگر شد. یا در جام جهانی و المپیک کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای که در گذشته حتی کوچک‌ترین ارتباط اقتصادی و تجاری نداشته‌اند، وارد روابط و مشارکت‌های اقتصادی می‌شوند. خرید بخش رسانه‌ای و بازی‌های دوستانه‌ای که بین دو گروه از کشورهای مختلف یا بازیکنان چندین کشور در قالب دو گروه انجام می‌شود، از پولی که به صورت بهای بلیط با کمک‌هایی که می‌شود تا در هدفی انسان دوستانه مصرف شود، مورد دیگری است در راستای توسعه و صلح بین کشورها است.

ایجاد صلح و همکاری، دلیل‌های عمده‌ای است که سبب می‌شود تا ملت‌ها مشارکت‌های اقتصادی در رویدادهای ورزشی را کاملاً تشویق و ترغیب کنند. مصداق و نمونه‌ی عمده‌ی بعد بین‌المللی ورزش، پیشگام بودن کمیته بین‌المللی المپیک در تشدید تجاری کردن ورزش در دهه‌های اخیر است. امروز به دلیل ارزش بزرگ تبلیغاتی و برد جهانی ورزش، برگزاری مسابقات جهانی با یک کشور یا منطقه، منافع بزرگ اقتصادی از طریق ورود توریسم، آگهی‌های تبلیغاتی تجاری، ورود پشتیبان‌ها به صحنه ورزش را در بردارد. بندهای فصل پنجم از منشور بین‌المللی تربیت‌بدنی و ورزش یونسکو به‌ضرورت همکاری حکومت‌ها و نهادهای عمومی و سازمان‌های خصوصی ذی‌ربط در راستای ایجاد

تأسیسات و تجهیزات و ابزارهای مناسب و کافی برخوردار از شرایط ایمنی و سلامت قابل قبول در مناطق عمرانی جدید اشاره می‌کند.

بازی‌های المپیک و کمیته‌ی آن

المپیک یک رویداد بسیار بزرگی در جهان است که تمامی کشورها از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین از هر لحاظ حتی شده کشوری با یک ورزشکار در آن شرکت می‌کنند. یکی از مفاهیم مهم این بازی‌ها به وجود آمدن صلح جهانی است، احیای مفهوم «آتش بس المپیک» در خصوص المپیک یونان باستان، در ارتباط با زبان انترناسیونالیسم صلح‌آمیز در جنبش المپیک اهمیت ویژه دارد. «پیر دوکوبرتین» پس از تلاش‌ها فرساینده موفق شد، اندیشه‌های بازی‌های المپیک باستان را احیا کند. کوشش‌های او سرانجام با آغاز نخستین دوره‌ی بازی‌های المپیک جدید به سال ۱۸۹۶. م در آتن به ثمر نشست (شریف، ۱۳۸۳: ۷). دست‌یابی به صلح و دوستی بین ملت‌ها از طریق ورزش به وسیله پیردوکوبرتن، بنیان‌گذار المپیک نوین در سال ۱۸۹۶. م مطرح شد. از پدیده‌های مهم این بازی‌ها که با سیاست بسیار ارتباط داشته پدیده صلح المپیک است. پنج حلقه‌ی المپیک، به هدف همبستگی قاره‌های جهان طراحی شده است؛ همان‌گونه که رنگ‌های این حلقه‌ها مختلف‌اند، ورزشکاران جهان از رنگ‌ها و نژادهای مختلف با شرایط سیاسی و اجتماعی گوناگون، هر چهار سال یک‌بار در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان گرد هم می‌آیند که جنگ و رقابت آن‌ها هم صلح و دوستی را با خود دارد. اصول اساسی المپیزم بیان می‌کند که المپیک به‌دوراز هر گزینه تبعیض نژادی، سیاسی و جنسیتی است.

سازمان المپیک یک موضوع ناب روابط بین‌المللی است. این سازمان رویدادی تولید می‌کند که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بازتاب جهانی دارد. کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، با وجود شباهتی که با یک بنگاه چندملیتی و نیز با سازمانی چون سازمان ملل متحد

دارد، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این کمیته که در اواخر قرن ۱۹ م. تأسیس شده است، نمونه‌ی نوعی از سازمان غیردولتی بین‌المللی است. فعالیت دیپلماتیک میان کمیته بین‌المللی المپیک و سازمان‌های دیگر به‌طور گسترده تعریف شده است. وارد صحنه شدن «اجلاس جهانی آموزش و ورزش برای فرهنگ صلح» که به‌طور مشترک به همت یونسکو و کمیته‌ی بین‌المللی المپیک به‌عنوان بخشی از نیروی کمکی برای فرهنگ صلح سازمان‌دهی شده بود، چشم‌گیر است. در خصوص بازی‌های سیدنی، نقش کمیته‌ی بین‌المللی المپیک در گردهم آوری دو کشور کره در مراسم افتتاحیه، به‌عنوان نمونه‌ای از تأثیر مداوم سازمان در ظهور بین‌المللی بسیار مهم بود (Cooper and Dias: 2012).

مشارکت در ورزش منجر به ساخت منش، توسعه‌ی اخلاقی، دوستی و صلح، همکاری و تعاون و شهروندی خوب برای جامعه‌ی داخلی و بین‌المللی با ویژگی‌های ارزشمند شخصیتی می‌شود. بازی‌های المپیک این عوامل مشارکت را در جامعه‌ی بین‌الملل به کشورهای می‌آموزد. المپیک جایی است که در آن می‌توان اعتراضات خود را نسب به بی‌عدالتی و خشونت به گوش جهانیان رساند. مصداق این حرکت‌ها در چندین المپیک دیده شده است: آفریقای جنوبی در میان‌سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۲ م. به دلیل اتخاذ سیاست آپارتاید از حضور در بازی‌های المپیک محروم شد؛ در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ م، حضور کمیته ملی المپیک افغانستان در المپیک معلق گذاشته شد؛ پس از برکناری رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ م افغانستان بار دیگر در المپیک تابستانی ۲۰۰۴ م حضور یافت (قاسمی، ۱۳۸۹)؛ در مسابقات المپیک ۱۹۶۸ م مکزیک، اسمیت و کارلوس قهرمانان سیاه‌پوست آمریکایی در رشته‌ی دوومیدانی به هنگام دریافت مدال طلا و برنز خود با سرهای به زیر افکنده درحالی که دستکش‌های سیاهی به دست داشتند، دست‌ها رو به سوی آسمان بلند کردند و به‌این ترتیب اعتراض خود را نسبت به رفتار آمریکا با سیاهان نشان

دادند و افکار عمومی جهان را متوجه وضعیت نامطلوب سیاهان امریکا کردند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۹).

فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی

فدراسیون‌های ورزشی (فیفا، فیبا، فیلا و...) به‌عنوان عاملان بین‌المللی غیردولتی نقش بسیار مهمی را می‌توانند ایفا کنند. فیفا به‌عنوان یکی از پرنفوذترین فدراسیون‌ها می‌تواند نقش مؤثری در توسعه‌ی صلح جهانی داشته باشد. ظاهراً فیفا در حوزه‌ی اقتدار خود از ابزارهای قوی‌تر نسبت به سازمان ملل برای اعمال قدرت برخوردار است، چنان‌که دولت‌ها را به تبعیت از قوانین خود وامی‌دارد. فوتبال یکی از رشته‌های ورزشی موردعلاقه مردم همه‌ی کشورهاست و جام‌هایی که هر ساله در قاره‌های مختلف برگزار می‌شود، عاملی برای نزدیک شدن کشورها و دیپلماسی فوتبالی به وجود آورده است. بازی‌های دوستانه بین کشورها یکی از این هدف‌هاست. اگر عالی‌ترین نهاد تربیت‌بدنی در هر کشور که در واقع در اختیار دولت و قدرت سیاسی قرار دارد، اهداف خوب و راهبردهای مناسب برای دستیابی به اهداف و یک سیستم بازخورد توانا پدید آورد و بر مبنای آن عمل کند، به موفقیت دست خواهد یافت اما درجایی اوری براندرج رئیس سابق کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۵۶. م در المپیک ملبورن رسماً اعلام کرد ورزش کاملاً از سیاست جداست اما دیدگاه دیگری این نظریه را رد کرد و معتقد به رابطه‌ی قوی و مستحکم بین ورزش و سیاست است. نفوذ قدرت‌های شرق و غرب در ترکیب اعضای هیأت مدیره و فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی و کمیته بین‌المللی المپیک خود شاهی بر این مدعاست (Loy and Douglas, 2004: 22).

امروزه یکی از سرفصل‌های مهم رابطه‌ی سیاست و ورزش، موضوع فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی است. در دهه ۹۰. م رژیم‌های حقوقی بین‌المللی گسترش یافتند و در صحنه‌ی جهانی از نقش مهم‌تری برخوردار شدند. در حوزه‌ی ورزش هم‌روند مشابهی

طی شد. فدراسیون‌های ورزشی توسعه یافتند و قدرت بیشتری کسب کردند. برخی محققان که ورزش‌های مدرن را شبه‌دین قلمداد می‌کنند، اقتدار سازمان‌های ورزشی را با کلیسا مقایسه می‌کنند زیرا این فدراسیون‌های جهانی به اشکال خاصی از کنش‌های ورزشی مشروعیت می‌بخشند، معیارهای برای ارزیابی این کنش‌ها تعیین می‌کنند، مرزهای تمایز خوب از بد و درست از غلط را روشن می‌سازند، به استقرار سنت‌های ورزشی خاصی کمک می‌کنند، پاداش می‌دهند و مجازات می‌کنند (روزخوش، ۱۳۸۹: ۳۵).

ورزشکاران، مربیان و مدیران ورزشی

برخی کشورها از ورزشکاران و مربیان برجسته‌ی خود، که شهرت جهانی دارند، به‌عنوان دیپلمات یا فرستاده‌ی نماینده‌ی کشور خود در هیأت‌های بین‌المللی یا به‌عنوان سفیران سیار استفاده می‌کنند. چنان‌که برخی از آنان مأموریت‌های دیپلماتیک غیررسمی، مانند تبلیغ غیرمستقیم برای کشور خود را بر عهده می‌گیرند حتی وزارت خارجه آمریکا برای تأمین هزینه سفرهای این دیپلمات‌های ورزشی اعتبارات مالی تخصیص می‌دهد. جمهوری خلق چین نیز با قهرمانان تنیس روی میز خود به همین نحو عمل می‌کند و در مأموریت‌های گوناگون دیپلماتی از وجود آنان به‌عنوان فرستادگان بلندپایه رسمی بهره می‌جوید (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

در سال ۲۰۱۲. م در کابل مسابقه بوکس یا مشت‌زنی حرفه‌ای بین حمید رحیمی و حریف تانزانیایی تحت عنوان مبارزه برای صلح برگزار شد و رحیمی حریف خود را شکست داد. رحیمی گفت، باورمندانه است که تنها ورزش می‌تواند جامعه قومیتی افغانستان را در کنار هم قرار دهد. هدف اصلی از برگزاری این مسابقه ورزشی ارائه تصویری از صلح و آزادی است (رحیمی، ۲۰۱۲).

رئیس‌جمهور ایران، آقای حسن روحانی در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۴. ش در دیدار با سپ بلاتر، رئیس فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) تصریح کرد: فوتبال می‌تواند روابط و فرهنگ ملت‌ها و کشورهای مختلف را به هم نزدیک‌تر کند. حسن روحانی افزود: امروز دیگر فوتبال تنها یک ورزش نیست بلکه ستاره‌های درخشان فوتبال همان سفیران صلح کشورها هستند که در نقاط مختلف دنیا در میدان‌های مسابقه حضور دارند. رئیس‌جمهور ابراز امیدواری کرد که دروازه‌ی فوتبال تنها هدفی برای گل زدن نباشد بلکه دروازه‌ای برای دستیابی به صلح و دوستی برای همه ملت‌ها باشد. هم‌چنین بلاتر مسابقات فوتبال را در برقراری صلح میان کشورها و ملت‌ها بسیار مؤثر دانست (سایت ایلنا، ۱۳۹۲). ستاره‌های ورزشی تجسم وضعیت و جایگاه کشورند. ورزش مرتبط با ابتکارات صلح و به رهبری ورزشکاران، به‌عنوان یک‌زبان بین‌المللی است و این موضوع مهم است که ورزشکاران می‌توانند گاهی به‌عنوان تسریع دهنده در ایجاد رابطه میان دولت‌ها عمل کنند.

سازمان ملل متحد

امروزه نظام سازمان ملل به حمایت معتقدان به ارزش‌های تربیتی ورزشی، برای همراه ساختن نهادهای ورزشی خصوصی و دولتی، به‌منظور ایجاد باور در نقش حیاتی ورزش در ارتقای سطح تحصیلات، بهبود سلامت بشریت، حفظ پیشرفت‌های انسانی و صلح پایدار نیازمند است. ادولف اوگی، مشاور ویژه دبیر کل سازمان ملل، در زمینه‌ی نقش ورزش در توسعه‌ی صلح جهانی می‌گوید: «حقیقتاً اگر ورزش را به‌عنوان بخش ضروری و حیاتی از آموزش و پرورش محسوب کنیم، باید اذعان کنیم که امروزه آموزش در پهنه‌ی جغرافیایی جهانی به‌طور ناقص اجرا می‌شود». به اعتقاد او، در هزاره‌ی سوم فقط از این رهگذر است که می‌توان نسلی شایسته تربیت کرد تا بتواند با چالش‌های زندگی مقابله کند (Ogi, 2004). با کمک مدیر اجرایی یونیسف، کارل بلامی، گزارشی تحت عنوان

«نقش ورزش در صلح» و با محتوای نیل به هدف‌های توسعه هزاره‌ی سوم تنظیم و به اجلاس عمومی سازمان ملل ارائه شد. مفهوم این گزارش عبارت بود از: طراحی و ابتکار بهتر در ورزش، مؤثرترین و کاربردی‌ترین ابزار نیل به پیشرفت و صلح است. در این گزارش پیشنهاد شد که: ۱- ورزش باید با برنامه‌ی توسعه و پیشرفت ملل و دولت‌ها تلفیق شود؛ ۲- از ورزش باید به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف‌های هزاره‌ی سوم استفاده کرد؛ ۳- ورزش باید تا حد ممکن با برنامه‌های سازمان ملل ترکیب شود؛ ۴- باید مشارکت و همکاری بین سازمان ملل و جهان ورزش به وجود آید؛ ۵- حکومت‌ها باید سرمایه بیشتری به ترویج ورزش همگانی اختصاص دهند؛ ۶- باید رسانه‌های گروهی با کمک یک دیگر و سازمان ملل، نقش ورزش را به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق پیشرفت در راستای تکامل و صلح ارتقا دهند. اقدام دیگری که برای ارتقای نقش ورزش در پیشرفت انسان‌ها به‌عمل آمده است، تصویب قطع‌نامه‌ی ۵۸/۵ اجلاس عمومی سازمان ملل است. این قطع‌نامه بدون رأی‌گیری در جلسه علنی نشست حکام در سوم نوامبر ۲۰۰۳ مورد توافق قرار گرفت. مصوبه‌ی ۵۸/۵، ورزش را وسیله‌ای برای ترویج تعلیم و تربیت، سلامتی، توسعه و صلح قلمداد می‌کند (نیک شعار، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۱).

در نظام سازمان ملل، «گروه عالی پناهندگان» اعلام داشته است که ورزش کمک‌های فراوانی به التیام یافتن جراحات مادی و معنوی پناهندگان می‌کند. به‌عنوان مثال ورزش در اوگاندا و کنیا به پناهندگان سومالیایی، رواندایی، سودانی و مناطق دیگر کمک می‌کند تا اوقات خوشی را در کنار یک دیگر بگذرانند و با یک دیگر ارتباط داشته باشند. گروه عالی پناهندگان سازمان ملل با همکاری سازمان‌های غیردولتی سعی در وارد کردن ورزش به اردوگاه‌ها و چادرهای مهاجران دارد (همان، ۵۳). دستگاه‌های زیر نظر سازمان ملل متحد با آموزش مهارت‌های فردی و ارزش‌های لازم برای جلوگیری از درگیری و برای اطمینان از صلح کمک می‌کنند. هدف این است که از ورزش برای ساخت ظرفیت و

ایجاد یک محیط آرام برای کمک به بازسازی به مردمی که در وضعیت پس از جنگ زندگی می‌کنند، استفاده شود. ورزش برای کمک به ایجاد شخصیت و اعتماد به نفس، آماده کردن جوانان برای پاسخ‌گویی بهتر، مراقبت و حمایت از کودکان یتیم و پرورش صلح در کشورهایی مانند بوسنی و هرزگوین، مقدونیه و صربستان و مونته‌نگرو نقش داشته است. برنامه‌های ورزشی به‌عنوان یک فعالیت مثبت و سازنده برای پناهندگان و آوارگان داخلی در خدمت و دسترسی محدود به آموزش و پرورش و ساختارهای خانواده برنامه‌ریزی شده است. این‌ها ابتکار عمل برنامه عمرانی سازمان ملل متحد برای جوانان در کرانه غربی و نوار غزه است.

نتیجه‌گیری

ورزش در دنیای امروز به‌عنوان یک عامل بسیار مهم اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی شناخته می‌شود. این پدیده‌ی اجتماعی تأثیر بسیار مثبتی نیز در شکل‌گیری و تقویت همبستگی و هویت‌های کوچک و بزرگ گروهی، قومی و ملی دارد و دارای ظرفیت لازم را برای رساندن پیام‌های مختلف دیگر، مانند توسعه صلح و دوستی، تعاون و همکاری است و از قابلیت نزدیک کردن کشورها به یک دیگر برخوردار است. فوتبال به‌عنوان محبوب‌ترین ورزش جهان می‌تواند به‌عنوان یک‌زبان بین‌المللی نقش بزرگی را در ایجاد صلح ایفا کند. اجتماعات بزرگ ورزشی مثل المپیک و جام جهانی می‌توانند مکان مناسبی را برای خودنمایی کشورها به‌عنوان ملتی صلح‌دوست و هم‌چنین دیپلماسی ورزشی، که باعث همکاری بین کشورها شود، به وجود آورده‌اند.

این امر در طبیعت ورزش ریشه دارد که مکانی طبیعی برای ملاقات بین‌المللی به شمار می‌آید. توانایی ورزش در بسیج عمومی و تهییج احساسات، بهره‌گیری از آن جهت توسعه‌ی اقتصادی، تبلیغات رسانه‌ای، ایجاد مشروعیت و ملت‌سازی، هم‌گرایی ملی و نقش در توسعه صلح جذابیت‌های ویژه‌اند که حکومت‌ها را در توجه به ورزش ناگزیر ساخته است. خلق مفاهیم جدیدی چون دیپلماسی ورزشی بین قدرت‌های درگیر در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل نشان از خلق عرصه‌ای جدید برای تعاملات سیاسی و تجلی فرهنگی است. ورزش به‌خودی‌خود نه سازنده است نه مخرب بلکه ورزش هم از ساخته‌های انسان است. پس جهت استفاده از ورزش برای رسیدن به صلح جهانی باید همکاری‌هایی بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی انجام بگیرد. سازمان ملل باید با تشکیلات بزرگ ورزشی مثل کمیته‌ی بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی همکاری بیشتری داشته باشد. ایجاد صلح و همکاری، دلایل عمده‌ای است که سبب می‌شود تا ملت‌ها مشارکت در رویدادهای ورزشی را کاملاً آشکار تشویق و ترغیب کنند. ورزش به‌خصوص فوتبال که از

سود تجاری بالایی برخوردار است، می‌تواند نقش شایانی را در رسیدن به این اهداف ایفا کند. مشارکت در ورزش بین‌المللی مستلزم مشارکت در شبکه‌ای از سازمان‌ها است که این سازمان‌ها دارای قلمرو جهانی هستند. ورزش مکانیسمی به وجود می‌آورد تا سازمان‌ها به یک دیگر پیوند بخورند و حتی مهارت‌های مدیریتی و اداری در میان مردم بومی هم توسعه یابد. ورزش، همه ملت‌های جهان را به‌رغم اختلافات اقتصادی، سیاسی، نژادی، رنگ و دین به هم نزدیک می‌کند البته شاید ورزش به‌عنوان آخرین عامل در این رابطه مطرح شود. تبادلات ورزشی بین دو کشور نمی‌تواند به‌عنوان معجزه عمل کند اما این تبادلات نشان داده که ورزش یک ابزار حاشیه‌ای در روابط بین‌المللی نیست بلکه می‌تواند نقش سازنده‌ای را در روابط بین‌المللی بازی کند. ورزش‌کاران، مربیان و مدیران ورزشی به‌عنوان دیپلمات‌های کشورها هستند که نقش مهمی را در عرصه‌ی سیاسی بین دو کشور بازی می‌کنند. همچنین که قبل از هر مذاکره بین دو کشوری که از لحاظ سیاسی باهم در تعارض‌اند، لازم است که بین دو کشور مسابقه ورزشی برگزار شود تا تعارض‌ها و تنش کاهش یابد تا در جوی آرام‌تر مذاکرات سیاسی صورت گیرد.

البته در این میان نباید نقش ورزش را بیش‌ازحد قابل قبول تصور کرد. در این پژوهش سعی شد که نگاهی آرمان‌گرایانه به عرصه ورزش داشته باشیم اما باید کمی هم واقع‌گرایانه بود. حوادث و وقایع دنیای حاضر نشان می‌دهد که امروز ورزش به‌طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده است. ورزش، یکی از واجبات اساسی زندگی اجتماعی امروز و از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی با آگاهی کامل از ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی آن همواره تمایل داشته‌اند تا از این عرصه برای دستیابی به اهداف موردنظر خود بهره‌برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک‌سو و انعکاس گسترده‌ی وقایع ورزشی در رسانه‌های ارتباط‌جمعی جهانی از سوی دیگر، باعث

شده است تا قلمرو ورزش و سیاست روزبه‌روز به هم نزدیک‌تر شوند. به همین دلیل است که تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی به‌طور آشکاری بر ورزش اثر می‌گذارند و عرصه‌ی ورزش در واقع به محلی برای رقابت‌ها و رویارویی کشورها در سیستم روابط بین‌المللی درآمده است. گاهی حکومت‌ها در جهت اهداف موردنظر خود از ورزش به‌عنوان ابزاری در سیاست بین‌المللی خویش سود می‌جویند. گاهی نیز افراد و سازمان‌های غیردولتی، عرصه‌ی ورزش را محل مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی خود تشخیص می‌دهند و از اجتماعات بزرگ ورزشی در صحنه‌ی روابط بین‌الملل در جهت اهداف خود بهره‌برداری می‌کنند.

منابع

اخوان‌کاظمی، مسعود (۱۳۷۸)، «ورزش و سیاست بین‌الملل»، فصلنامه المپیک، سال هفتم، شماره ۱ و ۲، صص ۱۵-۳۲.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، «فوتبال پارادوکس‌نوسازی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۱۸-۵.

اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی ورزش و سیاست در ایران»، در وبسایت: http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&view=506

انورالخولی، امین (۱۳۸۱)، ورزش و جامعه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تهران، سمت.
چادریک (۸۷/۴/۱)، «تبعات آشکار اقتصادی و پنهان سیاسی جام ملت‌های اروپا»، در سایت:

www.aftab.ir/articles/sport/football/121439-euro-2008

حق شناس، علی (۱۳۹۲)، «ورزش می‌تواند مقدمی برای حل مشکلات سیاست خارجی باشد»، در وبسایت:

www.goftogoonews.com/page/news/17759

دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی ورزش»، مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.

رحیمی، حمید (۲۰۱۲/۱۰/۳۰)، «ورزشکاران به دنبال صلح»، در وبسایت:

www.tebyan.net/sport/inter/138

روزخوش، محمد (۱۳۸۹)، «ورزش و سیاست، سویه‌های مختلف یک رابطه»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۳۳-۳۵.

شریف، محمدرضا (۱۳۸۳)، «ورزش به‌عنوان وسیله‌ای در جهت تربیت توسعه و صلح»، تهران، انتشارات کمیته ملی المپیک.

شهابی، هوشنگ (۱۳۸۳)، «دیپلماسی ورزش بین ایالات متحده و ایران»، گفتگو، شماره ۴۲، صص ۲۶-۷.

نقش تبعی و تسریع‌کننده‌ی ورزش در... / ۱۷۷

فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «ورزش و سیاست هویت»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۷۴-۱۵۱.

فتحی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «ورزش و تبلیغات»، تهران، امیرکبیر.

قاسمی، حمید (۸۶/۸/۲۸)، «نقش رسانه‌های ورزشی در توسعه ورزش»، در سایت:
www.tebyan.net/sports/specialreports=53884

گوپر، سایمون (۱۳۸۹)، فوتبال علیه دشمن، مترجم: عادل فردوسی پور، تهران، نشر چشمه.
گرهات، مارکوس (۱۳۸۳). «ورزش و جامعه مدنی در ایران»، مجله گفت‌وگو، شماره ۴۲، صص ۲۷-۴۸.

گودرزی، محمود؛ حسن اسدی؛ محمد خبیری؛ مرتضی دوستی (۱۳۹۱)، «ورزش و سیاست»، ساری، موج قلم، چاپ اول.

لورمور، روگر و آدرین بودر (۱۳۹۱)، «ورزش و روابط بین‌الملل»، ترجمه نصرالله سجادی، تهران، نشر علوم ورزشی (حتمی).

مافی، حمید (۸۶/۶/۲۵)، «توپ سیاست در زمین ورزش»، در سایت:
<http://hadisnews.com/?type=dynamic&lang=id=1757>

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)، «ورزش و سیاست»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۳۱۶-۳۰۱.

مویزی، دومینیک (۲۰۰۸)، «ورزش و سیاست»، ترجمه علی محمد طباطبایی در سایت:
Goftman.wordpress.com/5/5/2008

نیک شعار، اکرم (۱۳۸۷)، «ورزش و صلح جهانی»، مجله رشد آموزش تربیت‌بدنی، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۵۴-۵۰.

نوابخش، مهرداد و کمال جوانمرد (۱۳۸۸)، «پیش‌قراولان جامعه‌شناسی ورزش»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۱۴، صص ۱۵۰-۱۳۳.

وحید، فریدون؛ حبیب‌الله کریمیان؛ محمد کوپایی (۱۳۹۱)، «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر همبستگی ملی جوانان و دل‌بستگی آنها به هویت ایرانی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۳۲-۱۲۳.

- Allison, L and T. Monnington (2002), "Sport, Prestige and International Relations", *Government and Opposition*, ۳۷, ۱.
- Coakley JJ (2009), Sports in society: issues and controversies in Sports in society: issues and controversies, pp. 70-439: McGraw-Hill.
- Cooper, rew and kevin, dias (2012), international Relation and rivalries at the olampic Games. <http://www.cigionline.org/articles/۲۰۱۲/political-sport>.
- Delgado F (2003), The fusing of sport and politics. *Journal of Sport & Social Issues* ۲۷: ۲۹۳-۲۷۰.
- Grant, Jarvie (2003), Internationalism and Sport in the Making of Nations, *Global Studies in Culture and Power*, ۱۰: ۵۵۱-۵۳۷. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/۱۰.۱۰۸۰>
- Green, Mick and Shane Collins (2008), "Policy, Politics and Path Dependency: Sport Development in Australia and Finland", *Sport Management Review*, 11 , 225 - 251.
- Huish, Robert and Carter, Thomas and Darnell, Simon (2013), The (soft) power of sport: The comprehensive and contradictory strategies of Cuba's sport-based internationalism, *International Journal of Cuban Studies*, 5 (1). pp. 26 - 44.
- Loy, Jihn g Booth Douglas (2004), "social structure and social theory" in R. Giulianotti, sport and modern social theorists, palgrave Macmillan: 11-37.
- Merkel, U (2008), The Politics of Sport Diplomacy and Reunification in Divided Korea. *International Review for the Sociology of Sport* 289: 43.
- Norrissa, Andrew (2006), Ernesto and the logic the political, *Philosophy social* <http://PSC.sagepub.com/content/۱۱۱/۱/۳۲>
- Ogi, Adolf (2004), "Harnessing the Power of Sport for Development and peace", Right to Play Athens Roundtable Forum, Athens.
- Ordylowski M, Szymanski L (2006), Sport in politics - politics in sport. Stalinism in Poland in the years 1949-1956. In *American Communist History*.
- Rooney, Paul (2012), Sport for Development and Peace: the case of Northern Ireland, p۶۹-۱. <http://www.football4peace.eu/Downloads/Publications>,
- Sugden, J (2010), "Critical left-realism and sport interventions in divided societies". *International Review for the Sociology of Sport*, 45(3) 258-272

Dzathor, Yao (2003), "Sports for peace and development", Africa university international peace Marathon, African Conference on Peace through Tourism Dar Salaam, Tanzania.

سایت خبری

خبرگزاری ایلنا (۱۳۹۲/۸/۱۵)، خبرگزاری کار ایران. در وب‌سایت:

<http://www.ilna.com/template/news.aspx=118898>

خبرگزاری مهر (۱۳۹۲/۵/۲۹)،

<http://www.mehrnews.com/news/2119639>

گروه ضربت بین‌آژانسی سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)،

http://www.un.org.ir/pub_gallery/publication/sportyearsport